



نوروز- جلوه‌گاه هم‌دلی، هم‌اندیشی و هم‌کنشی برای هم‌گرایی

میرویس بلخه - نویسنده و استاد دانشگاه

به نام خدای دگرگون‌کننده دیده‌ها و دل‌ها

تدبیرکننده روز و شب

دگرگون‌کننده و به‌کننده حال و احوال!

نوروز، این جشن‌واره کهن آریایی - جمشیدی را به شکرانه آفریده‌ها و نعمت‌های رنگارنگ الهی برای همه خوانندگان مجله نوروزنامه خجسته‌باد می‌گوییم. به مناسبت تحول سال به‌رسم نیاکان، از خداوند تقویم و زمان البته با کمال عذر و بندگی تمنا می‌کنیم که به عظمت کبریایی خود، بر سرزمین بلاکشیده ما و منطقه به‌شدت واگرای ما، از خزاین بی‌پایان و ناتمام خود حس هم‌دلی، ظرفیت هم‌اندیشی و هرزه هم‌کنشی عنایت کند.

انسان، جامعه و جهان امروز به‌صورت استثنایی و بی‌پیشینه به یک هم‌گرایی همه‌جانبه نیاز دارد. با تأسف که ما، اجتماعات بشری، نظام بین‌المللی و جهانی همه در حال حاضر، در گرداب بی‌دلی، تناقض اندیشه‌ها و رویکردهای فردگرایانه، سودجویانه و بدبینانه در نظم‌های مکانیکی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی افتاده‌ایم. همه و مشترک به سوی یک هرج و مرج ناتمام به پیش می‌رویم. در روزگار ما، سنت‌ها، مراسم و آداب فرهنگ محور جای خود را به فرهنگ‌های ایدولوژیک داده‌اند. بعید نیست که در چنین روزگاری، برخورد سنت‌ها به‌صورت فزینی جهان را بار دیگر به پرتگاه نابودی و فلاکت بکشاند. قبلا این هشدارها از جانب دانشمندان علوم اجتماعی و روابط بین‌المللی داده شده است.

این است که در یک چنین روزگار، گسترش، زنده‌کردن، و پشتیبانی از دست‌آوردهای مشترک بشری به عنوان نسخه شفابخش برای اوضاع کنونی جهان آشفته، یک نیاز به نظر می‌رسد. آیین‌های نیک که جلوه‌گاه هم‌دلی، هم‌اندیشی و هم‌کنشی در فراز و فرود تاریخ بوده‌اند، تضمین‌کننده جهان‌عاری از بدبینی‌ها خواهند بود. جهانی که در آن عشق، صمیمیت، طراوت، شادابی، همکاری و هم‌گرایی بر ساختارهای اجتماعی و روابط میان انسان‌ها حاکم خواهد بود.

هم‌گرایی غایت و کمال مطلوب انسان، منطقه و جهان است. بنابراین، این هم‌گرایی باید در نخست برای انسان‌ها با خودشان، در میان خودشان، در میان واحدهای سیاسی، و در نهایت در گستره جهانی، صورت پذیرد و بقای انسان را در آینده او تضمین کند.

بیشک هم‌گرایی تضمین‌کننده حیات مرفع انسان‌ها است. زیرا به باور من هم‌گرایی به معنی هم‌گن شدن است. چیزی شبیه وحدت در کثرت. این که مفاهیم، ارزش‌ها و ساختارها برای رسیدن کمال مطلوب هم‌سو شوند. البته با این تعریف، رسیدن به هم‌گرایی راه یک شبه نیست. پیش از آن که هم‌گرایی به عنوان یک نظم مطلوب در همه ابعاد زندگی انسان‌ها نقشه‌ریزی شود، مستلزم پیش شرط‌هایی است. انسان در قلمرو حیات اجتماعی خود باید در وضعیت هم‌گن با خود، طبیعت، محیط و انسان آشتی کند.

این آشتی در یک مثلث تمام، قابلیت تضمین برای هم‌گرایی می‌یابد؛ آشتی با دل، آشتی با اندیشه و آشتی با کنش. زیرا از منظر هستی‌شناسی هم‌گرایانه، انسان مهم‌ترین واحد در هردو بعد روند و غایت است. بنابراین، در هر سطحی از هم‌گرایی در میان دو انسان، یک اجتماع، دو دولت، یک منطقه و حتی در نظام بین‌الملل و جهان، همبستگی آشتی پذیرانه شرط نخست است.

برای دستیابی به این مطلوب، نوروز یک ره‌یافت مؤثر است. برای این که نوروز هنجاری است که به پشتیبانی یک تجربه تاریخی بسیار دیرین و با یک قلمرو بزرگ جغرافیایی، با پندارهای نیک‌سرشت و هم‌چنان با همنوایی آغاز دوباره شکوفاشدن جهان پیوند می‌خورد. این هنجار سه رسم عمده هم‌دلی، هم‌اندیشی و هم‌کنشی برای انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی‌شان به بار می‌آورد که به نظر من همین سه رسم در واقع سه پیش شرط اساسی برای هم‌گرایی هم است.

کوتاه به شاخص‌های سه‌گانه نوروز اشاره می‌کنم که چگونه این شاخص‌ها با سنت، رسوم و آداب نوروزی گره خورده و فضای هم‌دلی، هم‌اندیشی و هم‌کنشی را به میان می‌آورد و از این ره‌آورد به هم‌گرایی می‌تواند بیانجامد.

۱. شاخص هم‌دلی؛

هم‌دلی یعنی یگانگی، درک و پالودن دل یک انسان با محیط اوست که در آن زندگی می‌کند. یعنی انسان از یک طرف خانه جان و تن را از کینه‌ها، کدورت‌ها و نفرت‌ها پاک می‌کند و از طرف دیگر هم‌نوا با جوش طبیعت و شکوفیدن دوباره حیات در زمین، با طراوت تازه و همنوا با دیگران جهان را زیبا می‌سازد. من برداشتم این است که همه انسان‌ها جوهره مشابه طبیعی دارند. همان‌گونه که اجزا و اناتومی و اجزای بدن انسان‌ها یکسان است، عقل، احساس، فکر، خیال، عشق، نفرت، و دوستی و دشمنی انسان‌ها نیز از جانب خداوند در یک نظم کلان طبیعی به صورت مشابه آفریده شده است. پس پیش شرط هم‌گرایی در گام نخست، هم‌گن شدن انسان با سرشت و طبیعت خودش است. وقتی انسان‌ها همه با جوهر طبیعی خود آشتی کردند، فضای هم‌دلی شکل می‌گیرد. یعنی تا مادامی که انسان به یک خودآگاهی و هم‌گرایی با خود نرسد، زمینه هم‌گرایی انسان با انسان و انسان‌ها با انسان‌ها معیوب و ناقص است. بنابراین، انسان پیش از هر چیز دیگر نیازمند است تا با خود آشتی کند.

البته هم‌دلی در هردو بعد احساسی و شناختی هم‌زمان صورت می‌پذیرد. شرط اول پرورش احساس هم‌دلی با محیط است. در آیین‌نامه نوروز ازدوره نیاکان تا اکنون، مراسمی چون هفت‌میوه، هفت‌سین، میله‌گل سرخ، سنت سبزه‌گشتی، زرع گندم و غیره مکانیزم‌های موثر پرورش احساس میان انسان و محیط اوست. هرکسی در هر اقلیم جغرافیایی، با توجه به تفاوت‌های اندک محیطی از این سنت‌های که هم‌نوایی و احساس با محیط او را تقویت می‌کند، در ایام نوروز برای مدتی تجربه می‌کند.

هم‌دلی شناختی در عین حال در ایام نوروز به خوبی و با وضاحت قابل درک است. انسان‌های بی‌شماری یک سطحی از شناخت مؤقت از پیرامون خود و هستی داشته است اما نه پایا و در مسیر زمان و تحول فصول این شناخت هم‌چنان پژمرده و ابتر می‌ماند. این شناخت ناشی از تحولات خوشایندی؛ مانند برگشت سبزه‌زاران، باران ابر نیسان، نسیم بادصبا، شکوفاشدن درختان و رویدن لاله‌زاران است که در هنگام بهار در پیرامون او رخ می‌دهد. شناختی که انسان را در عمق لایه‌های فکری خودش می‌کشاند و از آن ته به ظرافت‌ها و اهمیت خلقت حیات و به خصوص انسان که هم خود او است و هم دیگران غیر خود او، پی می‌برد. این شناخت عمیق انسان را به سوی آشتی می‌کشاند. به سوی هم‌دل‌بودگی با تمام انسان‌های که مثل او هستند.

۲. شاخص هم‌اندیشی؛

برعکس هم‌دلی که بعد درون‌گرایی و روحی دارد، اما هم‌اندیشی با جنبه تعقل از دو بعد درونی و بیرونی برخوردار است. هم‌اندیشی این است که انسان مفاهیم، چشم‌اندازها و ارزش‌هایی را که با خود در هم‌دلی با محیط حیات خود پرورش داده است، با دیگر انسان‌ها مشترک بسازد. انسان‌های موجود در یک قلمرو حیات مجموعه مفاهیم، طرز نگاه‌ها و ارزش‌ها را عین هم ببینند، به آن‌ها باور داشته باشند و از آن‌ها حمایت کنند.

نوروز قوی‌ترین عامل سازمان‌دهنده اندیشه‌های مشترک باورمندان به این آیین است. انسان‌هایی که حس مشترک و طراوت و شادابی با شکوفیدن حیات تازه پیدا می‌کنند، اندیشه‌های ناشی از جوهر مشترک طبیعی و همگن دارند. اندیشه عشق‌ورزی، استقبال از طبیعت، حمایت از نجابت، مبانی معرفتی اندیشه‌های آن‌ها قرار می‌گیرند. اساسی‌ترین اجماع در اندیشه کسانی که در قلمرو حوزه نوروز از این جشن تجلیل به عمل می‌آوردند، این اندیشه است که نوروز رستاخیز حیات طبیعی و رویش دوباره آن است، بنابراین، زندگی نو، روزگارانو و نگرش‌نورا آغاز باید کرد. از همین اندیشه مشترک است که آداب، رسوم، اعتقادات، ارزش‌ها، هنجارها، آیین‌ها و حتی دانش‌های نوین سرچشمه می‌گیرند.

دگرگونی‌های سریع جهان پیرامون ما تغییرات شگرف در ساخت و بافت زندگی ما هرچند وارد ساخته است اما در لایه‌های زیرین افکار و اندیشه‌ها هنوز هم مفاهیم، افکار و باورهای نیاکان بر ما نفوذ دارند. این مصداق سخن معروف است که «مردگان بر زندگان حکومت دارند». نوروز منبع عظیمی نقل و عقل برای انسانی است که در محیط آن زندگی دارد. این نقل‌ها و عقل‌ها در ابعاد مادی و معنوی انسان امروز در حوزه نوروز غلبه دارند. یک تکان باقوت در اندیشه انسان وابسته به حوزه نوروز، زمینه‌ساز هم‌اندیشه در حوزه عمل می‌شود. مثل همه تکان‌های که در نوروز بر تن، جان، لباس و خانه خود می‌دهیم.

۳. شاخص هم‌کنشی؛

هم‌دلی و هم‌اندیشی، هم‌کنشی به‌بار می‌آورد. چطور مگر ممکن است که مجموعه انسان‌های هم‌دل و هم‌فکر در عمل، نقطه‌ای و جزیره‌ای اقدام کنند؟ این کنش‌ها در هر دو بعد افقی و عمودی صورت می‌پذیرد؛ کنش در گفتار، کنش در پندار، کنش در کردار و دیگر کنش‌ها به صورت افقی، و در عین حال، کنش در سطح روابط دوفزری تا چندین میلیون نفری، کنش در سطح بین‌اجتماعی تا سطح یک منطقه جغرافیایی و در جهان به صورت عمودی. شور و شعف و رسوم و آدابی که برای مردمان حوزه نوروز از هند تا ترکیه در ایام نوروز به وجود می‌آید، نشان از کنش مشترک و واحدی دارد که در سراسر این جغرافیای بزرگ جنوب غرب آسیا و آسیای میانه و قفقاز، مردم در پی نوکردن و نوشتن هستند. شاید میزان این شور و شعف در سطح کنش از یک کشور به کشور دیگر پایین و بالا باشد اما حافظه تاریخی مشابه در این سرزمین‌ها وجود دارد.

کنش‌های مشترک اخلاق‌محور که جهان هر روز تهی از آن می‌گردد، از ویژگی‌های برجسته نوروز است. دریافت پیام‌های معنوی، احترام بزرگان به خوردسالان و برعکس، صلته رحم، دیدار با وابستگان، دعا برای مردگان، نوع دوستی، توجه به نیازمندان، دوست داشتن و مهربانی، شاخص‌های کلیدی کنش اخلاقی است که به صورت مشترک در ایام نوروز عملی می‌شود. این آداب و رسوم نیک انسانی در نوروز منجر به حمایت فقهای بزرگ دینی از این آیین طبیعی شد. در تاریخ و تمدن اسلامی خلفا و حاکمان اسلامی از نوروز به خوبی تحلیل کرده‌اند. یعنی دین که از عوامل اساسی کنش در حوزه نوروز می‌باشد، کنش‌های اخلاقی نوروز را همچنان حمایت کرده است و منافاتی بین هر دو دیده نمی‌شود.

نوروز با فرهنگ پربار خود در زمینه تعاملات نیک اجتماعی، فرهنگ مصرف و بازار، حراست از محیط زیست، سیاست هم‌دیگرپذیری فرهنگ محور به خصوص از جنس شادی و پای‌کوبی مهم‌ترین معرف‌های کنش‌های مشترک برای یک سازمان و ساختار هم‌گرایانه در حوزه کشورهای نوروز می‌تواند خلق کند. کنش‌های غیرایدئولوژیک و خشونت‌محور که در آن انسان با انسان نه بیگانه که جز از یک کلیت است. احساس شادی و شعف ناشی از شورآفرینی برای انسان که از ویژگی‌های بارز نوروز است، باعث می‌شود تا کنش مشترک در انسان‌ها با طبیعت همگن گردد.

سخنی با میراث‌داران نوروز؛

نوروز که در روزگار باستان و ایام کهن جشن همه ملت‌های حوزه کلان غرب آسیا؛ آریایی‌ها، بابلی‌ها، آشوری‌ها، فنیقی‌ها، اکادی‌ها و دیگر ملل جهان هم‌چنان بود. اما به عنوان یک میراث و دست‌آورد بزرگ بشری به واسطه نیاکان خردمند مشترک ما برای ما به میراث مانده است. دیگر ملت‌ها از آن در فراز و فرود تاریخ دور گشتند و محروم شدند. بنابراین، نوروز یک موهبت و یک فضیلت است برای همه کسانی که امروز خود را میراث‌دار آن دانسته و از این جشن تجلیل می‌کنند. بنابراین، در عین حال که وظیفه و مسؤولیت حراست از این آیین کهن نیاکان بردوش ماست، هم‌چنان وظیفه‌ای ماست تا هریک از ما به‌عنوان سفیران نوروز در سراسر جهان، این میراث را دوباره گسترش بدهیم.

این نه برای تفاخر و تفرج که یک مسؤولیت انسانی و بشری ماست. امروز جهان وارد یک دور متادپلماسی شده است. جهانی که با ساز و کارهای انحصاری، انفرادی و به خصوص غیرطبیعی نمی‌تواند به سعادت، رفاه و امنیت برسد. زمان آن رسیده است که ملت‌ها هرکدام در کنار یک‌دیگر متاع خوان فرهنگ غنی و پربار خود را برای جهان عرضه کنند. فرهنگ هم‌دلی، مکانیزم‌های هم‌اندیشی و روی کردهای هم‌کنشی برخاسته از نوروز به‌عنوان جوششی‌ترین، طبیعی‌ترین و منطقی‌ترین تقویم و آیین جشن می‌تواند یک ساختار مناسب برای هم‌گرایی ملت‌ها در حوزه نوروز و دیگر مناطق جهان باشد.

این البته پیش از دیگر مناطق جهان، یک اولویت برای خود حوزه نوروز است. حوزه که نظام‌های سیاسی متعارض و متخاصم با جهت‌گیری‌های امنیتی و سیاسی متضاد زندگی شهروندان این منطقه را با تهدیدهای جدی مواجه ساخته است. روشنفکران و نخبگانی که گرایش‌های شدیداً واگرا دارند و در دو سوی خطوط فکری چپ و راست، دین‌دار و بی‌دین، ملی‌گرا تا بین‌الملل‌گرا و در نهایت سازنده و ویران‌گر قرار گرفته‌اند. در این چنین یک وضعیتی، نوروز به‌عنوان یک فکر و ساختار می‌تواند در سراسر منطقه تقویت گردد.

بباید به‌عنوان میراث‌داران نوروز، سفیران هم‌گرایی باشیم!

